فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و سوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷، شماره پیاپی ۱۲۸

مریم فرحزاد، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی،سمنان، ایران **M. Farahzad**
دکتر مجتبی رفیعیان* دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران **Dr. M. Rafieian**
دکتر سعید کامیابی، دانشیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران **Dr. S. Kamyabi**
دکتر عباس ارغان، دانشیار گروه جغرافیا، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران **Dr.A. Arghan**
Rafiei_m@modares.ac.ir

شناسایی عوامل تأثیرگذار بر حضور و مشارکت زنان در فضای شهری از منظر حق به شهر

دریافت مقاله: ۹۶/۸/۳۰ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۲۵

DOI: 10.29252/geores.33.1.95

چکیده

یکی از ابعاد دموکراسی، فضاهای عاری از قدرت، پاسخگو و پذیرای همه آحاد جامعه است. مقوله قدرت در فضا وجوه مختلفی را شامل می‌شود. ازاین‌روی روابط زنان و مردان در شهر را می‌توان با نظریه‌های قدرت و نابرابری اجتماعی تحلیل نمود. سازوکار روابط میان زن و مرد، فرایندهای قدرت و سلطه در تصمیم‌گیری و بهره‌مندی از فضا، طراحی و شیوه‌های اعمال محدودیت در فضا بر حضور، رفتار و ماهیت فضاهای عمومی شهری اثرگذار است. در این پژوهش تلاش می‌شود ابعاد حق به شهر در فضای شهری از منظر زنان مورد واکاوی قرار گیرد. با توجه به ماهیت موضوع، پرداختن به مسئله حضور و مشارکت از منظر حق به شهر و نه صرفاً ابعاد کیفیت فضای شهری از وجوه نوآوری این تحقیق به‌حساب می‌آید. برای این منظور از طریق پرسشنامه و مصاحبه اقدام به جمع‌آوری داده‌های موردنیاز شد. نوع تحقیق کاربردی بوده و تحلیل‌ها از طریق کمی سازی داده‌های کیفی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت می‌گیرد. بر این اساس دودسته سنجه‌های معطوف به الزامات حضور و مشارکت زنان و تنوع حضور و مشارکت زنان در فضای شهری مورد پرسش قرار گرفت. بر اساس نتایج مشخص شد که اولاً، امتیاز سنجه‌های منتسب به‌حق به شهر(که بیانگر الزامات حضور و مشارکت زنان در فضای شهری است) بیشتر از امتیاز سنجه‌های منتسب به‌حق تفاوت (که بیانگر ضرورت وجود طیف متنوعی از زنان در فضا است) می‌باشد. ثانیاً، میان متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و مدت‌زمان اقامت در فضا با حق به شهر ارتباط معناداری وجود دارد. در بیشتر سؤالات، زنان پاسخگو به این موضوع اذعان کرده‌اند که برای حضور در فضاهای عمومی محدودیت‌های جدی مواجه هستند. با استفاده از تحلیل مسیر برای عوامل مرتبط بااحساس حق به شهر و مشارکت زنان مشخص شد دو سنجه تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت، فضاهای ویژه زنان کمترین تأثیر رادارند. از سوئی دیگر، چهار سنجه تنوع فعالیت‌های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد(باهدف خرید) بیشترین تأثیر را در حق به شهر و احساس مشارکت زنان دارا است.

واژگان کلیدی: حق به شهر، حق تفاوت، زنان، فضای شهری، منطقه ۲۲ شهر تهران

مقدمه

یکی از ابعاد دموکراسی، فضاهای عاری از قدرت، پاسخگو و پذیرای همه آحاد جامعه است. مقوله قدرت در فضا وجوه مختلفی را شامل می‌شود. حضور و فعالیت زنان یکی از مواردی است که جامعه شناسان در پیگیری مباحث دموکراسی و قدرت روی آن متمرکزشده‌اند. با در نظر گرفتن حقوق شهروندی کثرت‌گرا در جامعه مدنی امروز و رویکرد عدالت محور در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، زنان شرایطی برابر با مردان را ازنظر حضور در فضای شهری مطالبه می‌نمایند. زنان در جامعه امروز ایران وارد

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]

عرصه‌های مختلف علمی و فنی و سیاسی و.... شده و حضور خود را در تمام عرصه‌ها به اثبات رسانده‌اند. بنابراین حضور زنان در شهر و فضای شهری امری اجتناب‌ناپذیر است (رضازاده، ۱۳۸۹: ۲۸). بررسی تاریخی حضور زنان در فضاهای شهری در ایران نشان می‌دهد این فضاها تا پیش از مدرنیته، غالباً تک جنسیتی و مردانه بودند و حضور کم‌رنگ زنان را شاهد بوده است (Najmabadi, 2005: 152). با ورود مدرنیته، نقش، عملکرد و انتظارات از فضاهای عمومی تغییر نمود و عملکردهای جدیدی همچون تماشاخانه، سینما، چایخانه، هتل، مغازه‌هایی به سبک فرنگی، باغ ملی، باغ‌وحش و ... به شهر اضافه شد(حبیبی،۱۳۹۱: ۱۳۷). همچنین تغییراتی در نوع پوشش و زبان زنان به وجود آمد و درنتیجه فضاهای عمومی آماده پذیرش حضور زنان در کنار مردان شدند(Najmabadi, 2005: 152).

بعد از انقلاب همگرا شدن ارزش‌های سنتی خانواده باارزش‌های اجتماعی و مشروعیت حضور و فعالیت اجتماعی و اشتغال زنان خارج از خانه، تحولی دیگر در این عرصه به وجود آورد (Amirebrahimi, 2006). پس می‌توان گفت، امروزه فضاهای شهری ایران شاهد حضور و فعالیت گسترده زنان می‌باشد. البته این حضور با توجه به ویژگی‌های فردی و ساختارهای اجتماعی، در طیفی از حضور محدود و سنتی - در قالب جلسات زنانه و یا وابسته به همراهی اعضای خانواده- تا زنانِ ایدئولوژیک - باهدف تغییر در ساختار مردسالاری جامعه و اثبات استقلال زنان و حق حضور و فعالیتش در فضا-(حبیبی، پور شجاعی،۱۳۹۴: ۲۵) قابل‌تغییر است. در این پژوهش این بحث که این فضاهای عمومی به چه میزان مناسب حضور و فعالیت زنان است موردتوجه قرارگرفته است. ازاین‌روی تلاش می‌شود به بررسی مشارکت و حضور زنان از منظر حق به شهر پرداخته شود و عواملی که در مشارکت آنان و ایجاد فضاهای قطبی، مردانه و قشربندی شده تأثیرگذار است را در منطقه ۲۲ شهرداری تهران،که منطقه‌ای جدید بوده است ارزیابی می‌شود.

مبانی نظری

حق یکی از مهم‌ترین مفاهیم در عرصه‌های اخلاق، حقوق، سیاست و فلسفه محسوب می‌شود که در قرن بیستم به‌طور گسترده‌ای مورد واکاوی قرارگرفته است. در این مقال دو مفهوم عمده "*حق بودن*[۹۹]" و" *حق داشتن*[۱۰۰]" قابل‌تفکیک است.

"حق بودن" که در مقابل باطل و غلط قرار می‌گیرد، همواره در عرصه‌های فکری حضورداشته است. در چنین معنایی مفهوم حق به معنای راست و صادق به‌کار گرفته می‌شود." حق داشتن" که می‌تواند در مقابل تکلیف قرار گیرد، محصول فکری جدیدی است که در پی تلاش‌های نظری و عملی آزادی خواهانه و برابری خواهانه انسان در دوران مدرن تولد یافته است (سلیمانی درچه،۱۳۹۳: ۴، راسخ، ۱۳۹۲:۲۲۹) بحث مفهومی از حق به شیوه‌ای دیگر نیز موردتوجه متفکرین قرارگرفته است. این بار پرسش بدین‌صورت طرح گردید که اساساً عناصر سازنده مفهوم حق کدام‌اند؟ چه تعریفی از حق می‌توان ارائه داد که تمامی تعابیر یادشده را در برگرفته و همه آن‌ها را به‌خوبی توضیح دهد؟ در پاسخ به این پرسش و به‌تدریج دو تئوری رقیب از سوی نظریه‌پردازان پیشنهاد شد: نظریه اراده انتخاب[۱۰۱]و نظریهٔ سود – منفعت[۱۰۲] بر اساس نظریه اولی، حق یعنی اراده تضمین‌شده که جزء مقوم و گوهر حق وجود اراده آزادی است که می‌تواند بر اراده‌های دیگر قید زده و آن‌ها را مقید سازد. حال‌آن که بر اساس نظریه دوم، حق یعنی منفعت تضمین‌شده که در این معنی در راستای حفظ و حمایت از سود و منفعت مطرح می‌شود و باهدف تضمین یک منفعت بنیادین بر عهده دیگران تکلیف می‌گذارد (طالبی،۱۳۹۰: ۲۱۹).

99 Being right or just
100 Having right
101 Will- choice Theory
102 Interest- Benefit Theory

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.95]

ایده حق به شهر[۱۰۳] را اولین بار هانری لوفور[۱۰۴] جامعه‌شناس فرانسوی به‌کار برده است. لوفور باور داشت طبق منطق حق به شهر ساکنان شهر باید از حقوق یکسانی برخوردار باشند. فضا باید به‌گونه‌ای مدیریت شود که قدرت و نفوذ تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی نخبگان، سیاست‌مداران و صاحبان سرمایه محدود و به همه شهروندان و ساکنین اعطا شود. درواقع تصمیمات باید توسط افرادی گرفته شود که متأثر از تصمیم می‌باشند. بنابراین ازنظر لوفور حق به شهر به کسی تعلق می‌گیرد که در شهر سکونت دارد و زندگی می‌کند (Lefebvre,1996). لوفور تاریخ فضا را با حرکتی اجتماعی تاریخی، از فضای مطلق پیشا تاریخی به فضای انتزاعی سرمایه‌داری ترسیم می‌کند و بر این باور است که درنهایت تناقضات و شکاف‌های موجود در فضای انتزاعی سرمایه‌داری به چندبعدی بودن فضای دگرگون شونده منجر می‌شود. در این فضا است که دوگانه حق در قبال شهر (حق به شهر) و حق در قبال تفاوت (حق تفاوت)[۱۰۵] محقق می‌شود (حبیبی، امیری ،۱۳۹۴: ۱۱).

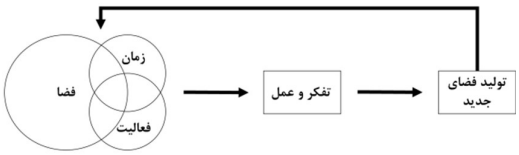
جامعه شناسان و فیلسوفان متعدد در این مورد بحث نموده‌اند. این نظریات را می‌توان در دو سطح خرد (کنش متقابل نمادین و مبادله) و کلان (کارکردگرایی ساختی و ساختگرایی) تفکیک نمود. اما از اوایل دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های ترکیبی جدیدی مطرح گردیدند که عمدتاً حاصل ترکیب دو سطح یادشده هستند. ازاین‌پس رویکردها به سمت ترکیب و تلفیق عامل و ساختار، خرد و کلان، فرد و جامعه، عینیت و ذهنیت و... گرایش یافته است. از این رهیافت می‌توان تلفیق و تعامل‌گرایی در نظریه اجتماعی را روندی تکمیلی در نظریه‌پردازی اجتماعی در مورد دو مفهوم اساسی فرد و جامعه، کنش و ساختار، شخص و نظام، سوژه و ابژه و... به‌ویژه در ربع قرن آخر بیستم دانست که تلاشی آگاهانه و هماهنگ در فرا رفتن از محدودیت‌های افراطی و دوقطبی در تبیین ساختاری-کنشگر است (گلابی و همکاران،۱۱۸:۱۳۹۴). این رویکرد ترکیبی تفکرات و خاستگاه اندیشه ایده پردازی فضا در قرن ۲۱ را شکل می‌دهند. در جدول ۱ مهم‌ترین نظریه‌پردازان این عرصه معرفی‌شده است.

103 The right to city
104Lefebvre,henri
105 the right to the city and the right to difference

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.95]

جدول ۱- نظریه‌های جامعه‌شناختی فضا با رویکرد ترکیبی

نظریه‌پرداز	ایده پردازی فضا	تبیین	بحث
هانری لوفور	محصول اجتماعی	ظرفی از کنش در بستر زندگی جمعی نظم زمانی پدیده‌ها	ایدئولوژی ←خلق فضا ←تولید فضا←تحقق فضای جمعی زمان↔ مکان ذهنیت← عینیت 
میشل فوکو	فضا، قدرت و مقاومت	جامعه انضباطی فهم روابط اجتماعی در فضا	قدرت← فضا← روابط اجتماعی[۱] ↑ مکان[۲]↔ زمان مجموعه‌ای از عاملان[۳]، مباحثات و تعاملات[۴] و رویه‌ها در فضا وجود دارند که به پروش جامعه و حکومتمندی۵ فضا می‌انجامد
یورگن هابرماس	فضای عمومی	کنش ارتباطی	فضای عاری از قدرت کشف هنجارهای عام و مشروعیت عقلانی و حاکم کردن خرد جمعی عدم نقش مستقیم و دخالت آمیز دولت و ساختارهای قدرت
پیر بوردیو	فضای اجتماعی	فرایندی تکوینی- تاریخی	ساختارهای عینی جامعه ←رفتار←واقعیت اجتماعی غلبه بر دوگانه انگاری ساختاری و عاملیت ساختار-فرد-جامعه
دیوید هاروی	مفهومی تعاملی و کنشی	اقتصاد سیاسی شهر متریالیسم تاریخی- جغرافیایی	فرآیندهای اجتماعی↔ فرم‌های فضایی تأکید بر نقش کنشگران محلی در تعیین فضا شبکه‌ای از کنش‌های فضایی در بستر تاریخ
آنتونی گیدنز	بستر وجودی تعامل اجتماعی	اکولوژی اجتماعی	↑ساخت اجتماعی[۶]↔ ساخت فیزیکی ↑زمان[۷]↔ مکان تبیین دوگانگی ساختار و عاملیت جامعه هم ساختار است و هم کنش نظام طبقاتی، مرکزیت، محیط، تعامل

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۱ قدرت پارامتری است که در مکان‌های مختلف و زمان‌های گوناگون توسط افراد، نهادها، سازمان‌ها ظهور می‌یابد و ماهیت فضا و روابط اجتماعی آن را تحت تاثیر قرار میدهد فونت‌ها یک دست شود

۲ برخلاف گیدنز، فوکو تاکید را بر مکان قرار میدهد تا زمان.

3 Practitioner
4 Discourse
5 Governmentality

۶ شهر به عنوان یک فرآیند اجتماعی در قالب فضا و مکان مطرح می‌شود که خصایص اجتماعی و فرهنگی آن نقش مهم تری نسبت به شرایط فیزیکی و کالبدی اش دارد

۷ گیدنز اولویت را به زمان در مقابل مکان میدهد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]

با توجه به آن چه که گذشت و با الهام از اندیشه‌های فوکو می‌توان گفت، مجموعه‌ای از عاملان، مباحث و تعاملات و رویه‌ها در فضا وجود دارند که ساخت فضا را شکل می‌دهند. بر اساس الگوی ساخت‌یافته فضا است که تعاملات و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و بر این اساس افراد مختلف در فضا حضور می‌یابند و به انجام فعالیت می‌پردازند. به‌این‌ترتیب مشارکت افراد در فضا تحت تأثیر نیروهای پنهان تأثیرگذار بر فضا و عامل قدرت خواهد بود. قدرت مقوله‌ای است چند بعدی که در اینجا ناشی از فرهنگ، باور، شیوه مدیریت و کنترل فضا، نحوه حضور افراد و ایدئولوژی می‌باشد. هنگامی‌که صحبت از قدرت و سلطه مردانه در فضای شهری می‌شود، مقصود فرایندهایی است که بر حضور و مشارکت زنان در فضا تأثیرگذار است. حضور نه به معنای حضور فیزیکی صرف بلکه به معنای آن چه که لوفور بازتولید فضا می‌نامد است. نقش‌پذیری، آزادی رفتار، دل‌بستگی مکانی، مطلوبیت و از همه مهم‌تر مشارکت فعال در فضا همگی مصادیق فضاهای عاری از قدرت و سلطه مردانه می‌باشد.

مشارکت در فضای عمومی از دو بعد قابل‌طرح است.یک بعد آن آزادی سیاسی است که مربوط به ساختار و نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری جامعه است که در سطح کلان می‌گنجد. بعد دیگر به مقوله حضور و فعالیت در فضا بازمی‌گردد. یعنی اینکه هنگام حضور در فضا انسان‌ها احساس هویت داشته باشند و از آن گذشته بتوانند بدون محدودیت حضور یابند. ازاین‌روی فضا باید به‌گونه‌ای طراحی شود که پذیرای طیف‌های مختلف افراد جامعه (پیر و جوان، مجرد و متأهل، غمگین و شاد) و درعین‌حال در زمان‌های مختلف و بدون محدودیت باشد. حضور افراد مختلف در یک فضای واحد در ابتدا تحت تأثیر مقوله قدرت خواهد بود. تنوع گروه‌ها سبب می‌شود تأثیر این عامل کم شود. درصورتی‌که بتوان مشارکت فعال همه ذی‌نفعان را داشت، می‌توان به نیازهای مختلف پاسخ داد و درنتیجه حق به شهر تحقق می‌یابد. بر این اساس می‌توان گفت حق به شهر تحت تأثیر دو عامل خواهد بود: "عوامل ترغیب‌کننده" و "عوامل کنترل‌کننده".

بر این اساس می‌توان راجع به اینکه حق به شهر تحت تأثیر عوامل کنترل‌کننده شکل می‌گیرد یا عوامل ترغیب‌کننده؟ آیا سطح کلان بیشتر تأثیرگذار است یا سطح خرد؟ به‌عبارتی‌دیگر آیا نیازها، سبک زندگی، ارتباطات، ایده‌ها، باورها و عوامل بیرونی(در ارتباط با جهان بیرون)بر رضایت افراد از حضور در فضا و حق به شهر تأثیر دارد یا کالبد، دسترسی، امکانات و سایر عوامل سطح خرد (نیازهای مقطعی) . بر اساس مطالبی که مطرح شد فرضیات تحقیق به موارد ذیل می‌پردازد.

- بین گروه‌های سنی و احساس مشارکت و حق به شهر ارتباط معناداری وجود دارد.
- وضعیت تأهل بانوان بر احساس مشارکت و حق به شهر تأثیرگذار است.
- میزان تحصیلات بانوان بر احساس مشارکت و حق به شهر تأثیرگذار است.
- مدت سکونت بانوان بر رضایتمندی و تمایل به استفاده از فضاهای عمومی و عدالت جنسیتی تأثیرگذار است.

روش پژوهش

ازنظر پارادایمیک پژوهش حاضر انتقادی است. نوع تحقیق کاربردی باهدف توصیف و تفهم است. اطلاعات موردنیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری‌شده و از طریق کمی سازی داده‌های کیفی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای سنجش میزان تک‌بعدی بودن نگرش‌ها، عقاید و ... از شاخص آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. مقدار محاسبه‌شده این شاخص ۰٫۸۴۲ است. بنابراین این پرسشنامه پایائی لازم را دارد. همچنین روایی تحقیق نیز با نظر متخصصین و اساتید و همچنین از طریق پیش‌آزمون تأیید شد. برای سنجش عوامل مؤثر احساس مشارکت و حق به شهر و همچنین ارتباط میان متغیرهای مستقل سن، تحصیلات و تأهل بر احساس مشارکت و حق به شهر از تحلیل مسیر و ضریب همبستگی کندال بهره برده شده است.به دلیل پنهان(مکنون) بودن متغیرهای

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

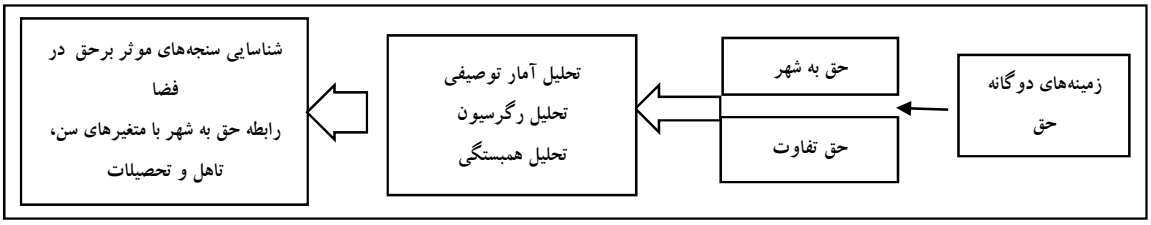
[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]

پژوهش، برای بررسی عوامل مؤثر احساس مشارکت و حق به شهر از روش تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم[۱]. روش‌های معمول آماری معمولاً برای متغیرهای آشکار که به‌صورت مستقیم اندازه‌گیری می‌شوند مورداستفاده قرار می‌گیرند. در این پژوهش با متغیرهایی سروکار داریم که به‌صورت غیرمستقیم و با استفاده از چند گویه اندازه‌گیری شده‌اند. تحلیل مسیر تکنیکی برای بررسی ارتباط و وابستگی میان متغیرها است.در تحلیل مسیر از انواع تکنیک‌های رگرسیون چندگانه، تحلیل عاملی، همبستگی چندمتغیره و تحلیل‌های واریانس و کوواریانس چندگانه مانند MANOVA, ANOVA, ANCOVA استفاده می‌شود. ازآنجاکه تحلیل مسیر از روش‌های مبتنی بر رگرسیون چندگانه استفاده می‌کند، می‌تواند به‌عنوان نوعی از مدل معادلات ساختاری محسوب شود.

پرسشنامه‌ها به‌صورت ساخت‌یافته و بسته می‌باشد. جامعه تحقیق کلیه زنان ساکن در منطقه ۲۲ شهر تهران است. نمونه تحقیق شامل ۳۸۴ عضو می‌باشد که به تعداد برابر از میان پلاک‌های زوج و فرد و به روش تصادفی در نواحی چهارگانه منطقه ۲۲ شهر تهران تکمیل‌شده‌اند. منطقه ۲۲ به این دلیل انتخاب شد که ساختار فضائی چندپاره دارد و دربردارنده فعالیت‌های کلان فرا منطقه‌ای متعددی است. عملاً منطقه۲۲ به چند فضای متفاوت تفکیک‌شده است که می‌تواند تفکیک‌های فضایی مشخصی را مشاهده نمود. فرایند تحقیق بدین شرح است که سؤالات پرسشنامه متناسب با دو بعد حق شامل حق به شهر و حق تفاوت در نظر گرفته‌شده‌اند. لازم به توضیح است، این سؤالات در این دو قالب قابل‌تفکیک است اما ازنظر فلسفی و مفهوم تبیین‌کننده این دو مفهوم نمی‌باشد. زیرا اولاً، وسعت و عمق مفاهیم حق به شهر و حق تفاوت بسیار ژرف و نیازمند مصاحبه عمیق با نظریه‌پردازان است. دوم اینکه، مأموریت این تحقیق الزام پذیری حضور زنان در جامعه از منظر حق به شهر است و نه سنجش میزان حق به شهر و حق تفاوت در فضای شهری. به‌عبارتی‌دیگر، سنجه‌های حق به شهر بیشتر انتظارات و الزامات حضور زنان را پوشش می‌دهد و سنجه‌های حق تفاوت پاسخگویی زنان به گستره وسیعی از شرایط بانوان را موردبررسی قرار می‌دهد. درواقع دو سؤال موردتوجه قرارگرفته است.

آیا عامل قدرت چگونه بر حضور و مشارکت زنان تأثیرگذار بوده است(الزامات حضور زنان در فضای عمومی در چه مؤلفه‌هایی نهفته است)؟

آیا ساخت اجتماعی فضا به‌گونه‌ای است که تنوع حضور اقشار مختلف و ویژگی‌ها و شرایط مختلف را دارا باشد و یا محدودیت در حضور و آمدوشد زنان در فضا مشاهده می‌شود؟

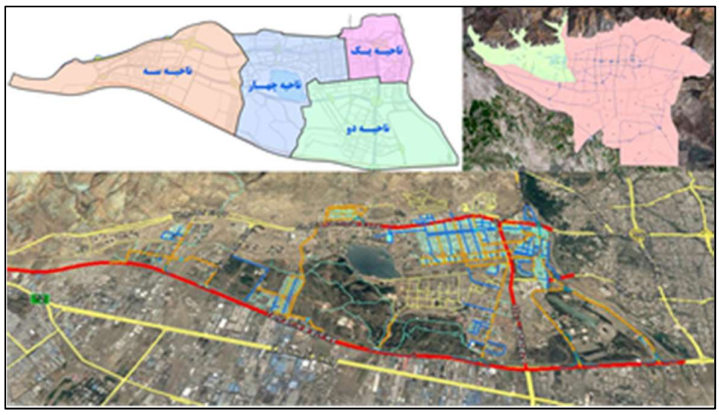


شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق

منطقه ۲۲ شهر تهران، واقع در شمال غربی شهر تهران با وسعتی حدود ۶۰۰۰ هکتار محدوده شهری و ۳۰ هزار هکتار حریم است. این منطقه به دلیل ویژگی‌های خاص طبیعی و موقعیت خود در پهنه پایتخت، به‌عنوان منطقه‌ای مستعد قطب گردشگری شناخته‌شده و چشم‌انداز آینده آن بر این اساس استوارشده است(پرتال شهرداری منطقه ۲۲) .ویژگی بارز این منطقه در اسناد توسعه‌ای، که آن را منطقه‌ای با خصیصه فراگیری اجتماعی وفضایی معرفی می‌کند از یک طرف وتنوع گروه‌های اجتماعی و فرهنگی از طرف دیگر باعث گردید این منطقه برای پژوهش انتخاب شود.

۱دقت شود دو روش آماری "همبستگی کندال" و "مدل معادلات ساختاری" که در این مقاله برای تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته اند، پیش نیاز نرمال بودن داده‌ها را ندارند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]



شکل ۳ - موقعیت منطقه ۲۲ در شهر تهران

یافته‌های پژوهش

برای سنجش معناداری اثر مؤلفه‌ها از ضرایب رگرسیون[۲] استفاده می‌کنیم. جدول زیر مربوط به ضرایب رگرسیون برآورد شده است. ستون اول (برآورد) مربوط به ضرایب استاندارد نشده رگرسیون است. ستون دوم نیز خطای استاندارد ضریب رگرسیون را نشان می‌دهد. با استفاده از دو مقدار برآورد[۳] و خطای استاندارد می‌توان یک‌فاصله اطمینان برای ضریب رگرسیون ساخت. شاخص C.R[۴] از تقسیم مقدار برآورد بر .S.E به دست می‌آید. از این شاخص برای آزمون فرض پارامتر استفاده می‌شود. آزمون فرض ما به‌صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0: \beta = 0 \\ H_1: \beta \neq 0 \end{cases}$$

در اینجا منظور از β ضریب رگرسیون یا برآورد است. بر اساس مقدار احتمال معناداری(p) هرکجا که این مقدار بیش از ۰،۰۵ بود، اثر مؤلفه معنادار نبوده و باید از مدل خارج شود. با توجه به جدول ۲ در تمام موارد فرض صفر رد شده و ضرایب رگرسیون معنادار هستند. ستون ST[۵]، مربوط به ضرایب رگرسیون استانداردشده است[۶]. با استاندارد کردن ضرایب رگرسیون، این ضرایب مستقل از واحد اندازه‌گیری خود شده و امکان مقایسه بین آن‌ها میسر می‌گردد.

2 Regression Weights
3 estimate
4 critical ratio
5 ST: Standardize

۶دقت شود ستون ST ماحصل تحلیلی جداگانه است که نتایج آن در یک جدول واحد نمایش داده شده است.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georres.33.1.95]

جدول ۲- میزان تأثیر سنجه‌ها

سؤال	گزاره	برآورد	S.E[1]	C.R[2]	(p_value)	ST
سؤال۱	فضاهای ویژه‌ی زنان	.۶۱۰	.۱۱۷	۵٫۲۲۹	***	.۳۲۷
سؤال۲	آموزش و فرهنگ‌سازی	۱٫۱۲۵	.۱۲۰	۹,۳۵۳	***	.۶۵۶
سؤال۳	تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت	.۷۸۲	.۹۳	۸٫۴۰۱	***	.۵۰۳
سؤال۴	وجود امکانات ویژه زنان در فضا	.۹۳۲	.۹۷	۹٫۵۹۴	***	.۵۹۳
سؤال۵	آزادی دررفت و آمد	۱٫۰۵۵	.۱۰۷	۹٫۸۷۴	***	.۶۱۹
سؤال۶	آزادی در پوشش عرف	۱٫۰۹۸	.۱۱۱	۹٫۹۰۹	***	.۶۲۷
سؤال۷	تنوع شرایط	.۹۳۱	.۹۶	۹٫۶۷۸	***	.۵۹۹
سؤال۸	تعامل‌پذیری	.۹۸۱	.۹۵	۱۰٫۲۸۷	***	.۶۵۱
سؤال۹	روشنایی	۱٫۱۲۲	.۱۰۰	۱۱٫۲۱۶	***	.۷۰۷
سؤال۱۰	مکان‌یابی مناسب	.۸۳۸	.۹۱	۹٫۱۹۱	***	.۵۴۳
سؤال۱۱	کیفیت امکانات	۱٫۰۵	.۱۰۸	۹٫۷۱	***	.۵۸۲
سؤال۱۲	ورودی‌های فضا	.۸۸۴	.۰۹۸	۸٫۹۹۵	***	.۵۲۶
سؤال۱۳	تنوع حمل‌ونقل عمومی	.۹۰۸	.۰۹۵	۹٫۵۶۷	***	.۵۶۴
سؤال۱۴	تنوع حضور افراد(باهدف ورزشی)	.۸۷۷	.۰۹۸	۸٫۹۸۶	***	.۵۶۵
سؤال۱۵	تنوع حضور افراد(باهدف خرید)	۱٫۰۷۲	.۰۹۶	۱۱٫۱۵۴	***	.۶۸۴
سؤال۱۶	تنوع فعالیت‌ها و مراکز	۱٫۰۴۶	.۰۹۴	۱۱,۱۶۹	***	.۶۸۶
سؤال۱۷	تنوع زمانی	.۹۶۶	.۰۹۴	۱۰٫۳۲	***	.۶۲۳
سؤال۱۸	حمل‌ونقل عمومی ویژه‌ی زنان	۱٫۰۵۵	.۱۱۰	۹٫۵۹۷	***	.۶۲۱
سؤال۱۹	طراحی مناسب	۱٫۰۶۱	.۱۱۰	۹٫۶۳۴	***	.۶۴۳
سؤال۲۰	مزاحمت	۱٫۰۲۷	.۱۰۹	۹٫۴۴۳	***	.۶۳۵
سؤال۲۱	تنوع حضور افراد(باهدف عبوری)	۱٫۰۷	.۱۱۵	۹٫۳۳۶	***	.۶۴۲
سؤال۲۲	پیاده مداری	.۸۶۰	.۱۰۱	۸٫۵۴۳	***	.۵۶۳
سؤال۲۳	امنیت	۱٫۰۷۹	.۱۰۸	۱۰.۰۲	***	.۷۰۳

در دومین گام و در تحلیل همبستگی کندال به بررسی رابطه بین مشخصات فردی افراد با سؤالات مربوط به احساس مشارکت و حق به شهر خواهیم پرداخت. دلیل استفاده از این آزمون همبستگی، وجود متغیرهای اسمی و رتبه‌ای است. در بررسی‌های نظری اشاره شد که عموماً تخصیص و استفاده از فضاهای عمومی تجربه‌ای است که برای تمامی افراد یکسان نیست زیرا متغیرهایی نظیر سن، جنس، گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های قومی و نژادی بر چگونگی درک و استفاده از فضاهای شهری تأثیرگذارند. در این بخش به دنبال یافتن این تفاوت‌ها هستیم.

[1] Standard Error
[2] Critical Ratio

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.95]

اولین فرضیه معناداری ارتباط سن زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر را بررسی می‌نماید. در جدول ۳ به همبستگی بین متغیر سن با سنجه‌های پژوهش می‌پردازیم. تنها همبستگی متغیرهایی باهم معنادار است که مقدار احتمال معناداری ضریب همبستگی آن‌ها کمتر از ۰,۰۵ باشد. همبستگی منفی به معنی رابطه معکوس دو متغیر و همبستگی مثبت نشانه رابطه مستقیم دو متغیر است.

جدول ۳- ارتباط سن زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	ضریب همبستگی	احتمال معناداری
۶	آزادی در پوشش عرف	۰,۱۱۱	۰,۰۰۶
۱۷	تنوع زمانی	۰,۰۸۱	۰,۰۴۲
۱۸	حمل‌ونقل عمومی ویژه زنان	۰,۰۹۵	۰,۰۱۸

دومین فرضیه وضعیت تأهل زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر تأثیرگذار است. جدول ۴ بررسی همبستگی بین متغیر وضعیت تأهل با سنجه‌های پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ٤- ارتباط وضعیت تأهل زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	احتمال معناداری	ضریب همبستگی
۴	وجود امکانات ویژه زنان در فضا	۰,۰۴۱	۰,۱۰۲
۹	روشنایی	۰,۰۰۵	.۱۴۰
۱۲	ورودی‌های فضا	۰,۰۱	.۱۲۷
۱۴	تنوع حضور افراد(باهدف ورزشی)	۰,۰۱۵	.۱۲۱
۱۵	تنوع حضور افراد(باهدف خرید)	۰,۰۳۴	.۱۰۵
۱۹	طراحی مناسب	۰,۰۲۷	.۱۱۰

فرضیه سوم به بررسی تاثیر تحصیلات زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر می‌پردازد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد تنها ۵ سنجه با این متغیر ارتباط معناداری دارد (جدول۵).

جدول ٥- ارتباط وضعیت تحصیلات زنان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	احتمال معناداری	ضریب همبستگی
۷	تنوع شرایط	۰,۰۳۵	*-۰,۰۹۹
۱۰	مکان‌یابی مناسب	۰,۰۴۵	*-۰,۰۹۳
۱۸	حمل‌ونقل عمومی ویژه‌ی زنان	۰,۰۱	*-۰,۱۲۱
۲۰	مزاحمت	۰,۰۳۸	*-۰,۰۹۷
۲۱	تنوع حضور افراد(باهدف عبوری)	۰,۰۱۱	*-۰,۱۱۹

فرضیه فرعی چهارم: مدت سکونت زنان بر رضایتمندی و تمایل به استفاده از فضاهای عمومی و عدالت جنسیتی تأثیرگذار است. بر این اساس مشخص شد چهار متغیر فضاهای ویژه‌ی زنان، آموزش و فرهنگ‌سازی، آزادی در رفت و آمد و پیاده مداری ارتباط معناداری با مدت اقامت در فضا دارند(جدول۶).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.95]

جدول ٦- ارتباط مدت سکونت بانوان بر احساس مشارکت و حق به شهر

شماره سؤال	نام سنجه	احتمال معناداری	ضریب همبستگی
۱	فضاهای ویژه زنان	۰٫۰۰۸	.۱۲۱**
۲	آموزش و فرهنگ‌سازی	۰٫۰۱۷	-.۱۱۱*
۵	آزادی در رفت و آمد	۰٫۰۴	-.۰۹۵*
۲۲	پیاده مداری	۰٫۰۰۸	.۱۲۱**

** نشان دهنده معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و * معناداری در سطح اطمینان ۹۰ درصد است.

تجزیه‌و تحلیل

گام اول: در ابتدا بحث به تفسیر سنجه‌های مؤثر بر حق به شهر و حق تفاوت پرداخته می‌شود. بر این اساس از میانگین وزنی بر اساس ضرایب رگرسیونی محاسبه‌شده استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهد امتیاز شاخص‌های تبیین‌کننده مفهوم حق به شهر بیشتر از شاخص‌های تبیین‌کننده مفهوم حق تفاوت می‌باشند(۰٫۶۲ در مقابل ۰٫۵۸). بنابراین در کل می‌توان گفت الزامات حضور و مشارکت زنان آورده شده است تأثیر بالاتری در مقابل مواردی که تحت عنوان تنوع حضور و مشارکت آورده شده است دارند. بررسی انحراف معیار امتیازات مربوط به این دودسته نیز نشان می‌دهد، انحراف معیار سؤالات مربوط به‌حق به شهر پایین‌تر از سؤالات حق تفاوت است(۰٫۰۵۷ در مقابل ۰٫۰۹۷). بنابراین نقطه نظرات زنان در سنجه‌های مربوط به‌حق به شهر همگراتر است. این امر بیانگر اهمیت تحقق الزامات حضور و مشارکت زنان به شهر در فضای شهری از منظر زنان است. به عبارتی دیگر زنان هم‌عقیده هستند که ضعف در الزامات حضورشان در فضا را بیان نموده‌اند و معتقدند برای احقاق حقوقشان باید روشنایی، امنیت، آموزش و فرهنگ‌سازی، طراحی مناسب، رفع مزاحمت‌ها، آزادی در پوشش عرف، آزادی دررفت و آمد، وجود امکانات ویژه زنان در فضا، کیفیت امکانات، مکان‌یابی مناسب و ورودی‌های فضا به ترتیب در اولویت توجه قرار گیرد.

گام دوم: در بررسی توصیفی سؤالات پرسشنامه، تا حدی به محدودیت‌های ایجادشده در این زمینه پی خواهیم برد. در بیشتر سؤالات، زنان پاسخگو به این موضوع اذعان کرده‌اند که برای حضور در فضاهای عمومی محدودیت‌های جدی مواجه هستند. بررسی ارتباط میان سنجه‌های مورد پرسش بااحساس حق به شهر و مشارکت زنان نشان می‌دهد سؤالات ۱ و ۳ (تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت، فضاهای ویژه‌زمان) کم‌ترین تأثیر رادارند. بنابراین می‌توان گفت باوجود فضاهای ویژه زنان ، هرچند حجم مراجعین قابل‌توجهی را دارا است- اما زنان حقوق خود را نه در فضاهای زنانه بلکه در عرصه‌های عمومی می‌جویند. درواقع درک ایشان این است که عرصه‌های عمومی باید عاری از تسلط مردانه باشد و بتواند حضور و کنش زنان را هم‌سطح مردان ایجاب نماید[1]. در توجیه امتیاز پایین کسب‌شده برای هدف حضور در فضاها باهدف گذران اوقات فراغت، باید گفت، ساختار فرهنگی جامعه ما به‌گونه‌ای است که پارک‌ها و فضاهای تفریحی عمدتاً محل مراجعه مردان و پسران، خانواده‌ها، کودکان به همراه سرپرست شان است. بنابراین عمدتاً حضور زنان باهدف گذران اوقات فراغت در عرصه‌های تفریحی کمتر مشاهده می‌شود و در مواردی هم که چنین حضوری ذکرشده است غالباً به‌صورت محدود و در پارک‌های محلی بوده است. از سوئی دیگر همان‌طور که گفته شد، از منظر بانوان حضور در عرصه‌های خرید خود به‌عنوان یک نوع گذران اوقات فراغت تلقی می‌شود.

[1] در مناقشات حق به شهر امروزه این بحث بسیار مورد توجه قرار گرفته است. این بحث که اساسا وجود فضاهای زنانه هرچند پاسخگوی نیاز بانوان است اما نمی‌تواند مصادیق حق به شهر باشد. چراکه عرصه‌های عمومی همچنان فضای قدرت نمائی مردان و گروه‌های اجتماعی ویژه ای است. حتی در برخی از موارد این امر را به عنوان نوعی به حاشیه راندن زنان از عرصه‌های عمومی تلقی نموده اند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]

از سویی دیگر، سؤالات ۹،۲۳،۱۶ و ۱۵ به ترتیب بیشترین تأثیر را در حق به شهر و احساس مشارکت افراد دارا است. این سنجه‌ها به ترتیب عبارت‌اند از:

تنوع فعالیت‌های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد(باهدف خرید)

نظر پاسخ‌گویان در مورد گزاره " تنوع فعالیت‌ها و مراکز" بدین شرح بود که حدود ۴۲,۵ درصد از پاسخ‌گویان تنوع کم و خیلی کم، ۳۴ درصد گزینه متوسط و تنها ۲۳,۵ درصد گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد را اظهار داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد انتظارات بانوان از تنوع در فضا به‌خوبی پاسخ داده نشده است. بنابراین ضرورت ایجاد فضاهای چند عملکردی، تنوع‌بخشی به فضا و ایجاد فعالیت‌های مختلف در فضا محسوس است.

در مورد عامل امنیت فضا ۵۰,۴ درصد از زنان امنیت موجود در فضا را برای حضور فعال و بی‌دغدغه آن‌ها به‌عنوان یکی از معیارهای حق به شهر در سطحی پایین ارزیابی نموده‌اند. تنها ۱۵,۵ درصد از پرسش‌شوندگان وضعیتی مطلوب (گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد) را بیان کرده‌اند. بررسی ابعاد امنیت در فضا نشان می‌دهد که نیاز به تقویت امنیت هم از منظر نظارت نهادی و کنترل‌های اجتماعی می‌تواند گام مهمی در این زمینه باشد. اهمیت این امر ازنظر زنان به‌گونه‌ای است که در برخی موارد اظهارشده است که احساس می‌کنند فضای شهری بدون هیچ‌گونه قانون و نظارتی برای دفاع از حضور زنان می‌باشد. به‌گونه‌ای که زمینه‌های شدیدی برای ارتکاب به جرم و مزاحمت‌های خیابانی به‌خصوص برای زنان وجود دارد. بر اساس نتایج بررسی‌های صورت گرفته، وجود عامل امنیت در شب بیش‌ازپیش موردتردید قرارگرفته است. به‌گونه‌ای که ۷۸,۸ درصد از زنان روشنایی موجود در فضا در هنگام شب را در حد متوسط یا نامطلوب ارزیابی نموده‌اند.

یکی از مؤلفه‌هایی که مورد پرسش قرار گرفت هدف افراد از حضور در فضای شهری بود. برای این منظور اهداف مختلفی شامل ورزش، خرید، گذران اوقات فراغت و گذری مورد پرسش قرار گرفت. دراین‌بین گذران اوقات فراغت کم‌ترین و خرید بیشترین جذابیت را از منظر بانوان داشت به‌گونه‌ای که این عامل چهارمین رتبه را ازنظر امتیاز کسب نمود. هرچند چنین فضاهای عمومی به‌عنوان یک عامل مؤثر در مشارکت زنان در فضا و به‌عنوان یکی از حقوق ایشان تلقی شده است اما برداشت زنان از وجود فضاهای خرید در منطقه ۲۲ نشان می‌دهد که حدود ۴۰,۴ درصد از ایشان منطقه محل سکونت خود را ازنظر برخورداری از چنین فضاهایی نامطلوب ارزیابی نموده‌اند. وجود فضاهای مردانه، دسترسی نامناسب، عدم وجود بازارچه‌های محلی مکفی و پراکنده بودن مراکز فروش از مهم‌ترین مواردی است که در ارزیابی پاسخ‌گویان بدان اشاره داشته‌اند. از سوئی دیگر حدود ۳۵,۷ درصد نیز این سنجه را مطلوب ارزیابی داشته‌اند. وجود مگا مال‌ها، مراکز خرید بزرگ، پاساژها که هم‌زمان خرید و فراغت را میسر می‌سازد از مواردی بود که در توجیه مطلوبیت این فضاها بیان شد. به‌وضوح مشخص است که هدف زنان از خرید نیز به‌خودی‌خود متفاوت است. ازاین‌روی ضرورت دارد در کنار وجود فروشگاه‌های محلی برای خرید مایحتاج، خرده‌فروشی‌ها پاساژها، بزرگ بازارها و هایپرمارکت‌ها را نیز ایجاد نمود. درواقع باید بتوان الگوهای مختلف خرید را مدنظر قرارداد.

گام سوم: در این بخش ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان موردبررسی قرارگرفته است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، میانگین سن پاسخ‌گویان برابر ۳۶,۱۵ سال می‌باشد. درنتیجه با نمونه‌ای به نسبت جوان سروکار خواهیم داشت. سن جوان‌ترین فرد ۱۸ و بزرگ‌ترین فرد نمونه ۵۹ سال بوده است. بنابراین دامنه سنی نمونه ۴۱ سال می‌باشد. واریانس نمونه برابر ۱۲۹,۷ و انحراف معیار برابر ۱۱,۳۸ می‌باشد. بر اساس ضرایب همبستگی مشاهده می‌شود هرچه سن پاسخ‌گویان افزایش می‌یابد، میزان مطلوبیت افراد از منظر مقوله پوشش، امکان حضور در زمان‌های مختلف و گرایش به استفاده حمل‌ونقل عمومی ویژه زنان افزایش می‌یابد. درواقع می‌توان گفت جوانان محدودیت‌های رفتاری بیشتری را نسبت به افراد مسن، ازنظر پوشش و زمان حضور در فضا و آمدوشد با

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]

وسایل نقلیه عمومی احساس می‌نمایند. پس طبیعتاً از این منظر افراد جوان‌تر بیشتر فضا را یک‌طرفه و قشربندی شده احساس می‌کنند.

ازنظر وضعیت تأهل حدود ۶۹ درصد متأهل ۲۹ درصد مجرد و کمتر از دو درصد نیز بیوه، مطلقه و ... بوده‌اند. با مراجعه به سنجه‌ها مشخص می‌شود که مجردها و سایرین محدودیت‌های رفتاری کمتری نسبت به متأهلین احساس می‌نمایند. به‌عبارتی‌دیگر متأهلین در مقوله‌های مربوط به وجود امکانات ویژه زنان ، روشنایی، ورودی‌های مناسب، وجود عرصه‌های فعالیت ورزشی، وجود عرصه‌های خرید و طراحی فضاها متناسب با نیاز زنان نارضایتی بیشتری داشته و این موارد بیشتر فضاهایی مردانه دانسته‌اند و احساس می‌نمایند تعادل میان زن و مرد در این موارد وجود ندارد.

ازنظر وضعیت تحصیلی حدود ۱۲ درصد افراد نمونه، تحصیلات زیر دیپلم ۲۷ درصد دیپلم، ۲۵ درصد فوق‌دیپلم و ۲۷ درصد کارشناسی و ۱۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. بر اساس آزمون همبستگی صورت گرفته مشخص شد که میان متغیر تحصیلات با متغیرهای تنوع شرایط، مکان‌یابی مناسب، حمل‌ونقل عمومی ویژه‌ی زنان، مزاحمت، تنوع حضور افراد (با هدف عبوری) ارتباط معناداری وجود دارد. منفی بودن ضرایب همبستگی نشان می‌دهد این ارتباط معکوس است. بنابراین هرچه سطح تحصیلات بانوان بالاتر باشد، موارد فوق بیشتر به‌عنوان دغدغه‌های فردی افراد برای حضور و مشارکت فعال در فضا مطرح می‌شود و درنتیجه این موارد محدودیت‌های بیشتری در اذهان ایشان خواهد بود.

آخرین مورد به بررسی مدت‌زمان سکونت افراد می‌پردازد. حدود ۲۶ درصد افراد کمتر از ۵ سال است که در این منطقه سکونت دارند. حدود ۲۸ درصد نیز بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۵ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۱۳ درصد بین ۱۵ تا ۲۰ سال و حدود ۸ درصد بیش از ۲۰ سال است که ساکن این منطقه هستند. بر اساس تحلیل صورت گرفته مشخص شد که چهار سنجه وجود فضاهای ویژه زنان ، آموزش و فرهنگ‌سازی، آزادی در رفت و آمد و پیاده مداری ارتباط معناداری با متغیر مدت سکونت دارند. در این میان دو متغیر آموزش و آزادی در رفت و آمد ارتباط منفی دارند. بر این اساس هرچه سابقه حضور افراد در فضا بیشتر باشد، احساس آزادی رفت‌وآمد و نیاز به فرهنگ‌سازی عمومی کمتر به‌عنوان یک مقوله منفی در نظر ساکنان خواهد بود. درعین‌حال اهمیت پرداختن به فضاسازی ویژه زنان و پیاده مداری را بیشتر ارزیابی نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

روابط زنان و مردان در شهر را می‌توان با نظریه‌های قدرت و نابرابری اجتماعی تحلیل نمود. سازوکار روابط میان زن و مرد، فرایندهای قدرت و سلطه در تصمیم‌گیری و بهره‌مندی از فضا، طراحی و شیوه‌های اعمال محدودیت در فضا بر حضور، رفتار و ماهیت فضاهای عمومی شهری اثرگذار است. درواقع مردان به‌طور سنتی قدرت اقتصادی و اجتماعی بیشتری دارند و فضاها را بر اساس نیازهایشان نظم و نسق می‌دهند. به همین سبب زنان درنتیجه تأثیر این نیروهای مسلط دچار محرومیت و نابرابری فضایی شده‌اند. بدین معنا که جنسیت زنانه و مردانه، قدرت پذیرایی فضا، نقش فضا و جریان‌های مسلط و شکل‌دهنده فضا بازتولیدی از جریان مسلطِ نهادهای اجتماعی و فرهنگی است.

بر اساس بحث‌های نظری مشخص شد فضا یک تولید اجتماعی است. به تعبیر شیلدز(Shields2005)، فضای سلطه یا فضای طراحان معمولاً از طریق ایجاد شباهت بر اساس تقسیم‌بندی‌های از پیش تعیین‌شده مانند جنسیت یا طبقه یا نژاد عمل می‌کند و تلاش می‌کند تفاوت‌های درونی در هریک از این مقولات را حذف نماید. برعکس فضای مقاومت، منطق خود را بر اساس فضای افتراقی بنا و یگانگی به همراه گوناگونی را به‌جای همگون سازی با تقسیم به‌وسیله طبقه، نژاد و جنسیت رواج می‌دهد. هرچه تفاوت میان فکر مسلط براثر طراحی و عمل مردم در فضا بیشتر باشد، کارکرد فضا از مأموریت اصلی خود فاصله می‌گیرد. از

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]

سوئی دیگر، فضا باید به‌گونه‌ای باشد که ارزش‌ها، باورها و هنجارهای گروه‌های اجتماعی مختلف حاضر در فضا را تأمین نماید و عاری از سلطه و غلبه گروه یا طبقات بانفوذ بیشتر باشد.

بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که فضای شهری به‌عنوان بستر تحقق ایده حق به شهر، متأثر از عوامل متعددی می‌باشد. موارد بررسی‌شده در دودسته الزامات حضور و مشارکت زنان و تنوع حضور و مشارکت زنان تقسیم‌شده‌اند. در این میان میانگین امتیاز سنجه‌های منتسب به الزامات حضور و مشارکت بیشتر بود. این امر نشان می‌دهد ازنظر زنان شروط ابتدائی حضور عاری از قدرت و تسلط مردانه در فضا همچنان برقرار نمی‌باشد. در این میان چهار سنجه تنوع فعالیت‌های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان و وجود فضاهای خرید متنوع که پاسخگویی الگوهای مختلف خرید سنتی و مدرن باشد بیشترین امتیاز را کسب نموده‌اند. بررسی ارتباط میان متغیرهای سن، تأهل، تحصیلات و سابقه حضور در فضا نشان می‌دهد که این متغیرها بر حق به شهر و مشارکت زنان در فضا تأثیرگذار می‌باشند. با افزایش سن زنان محدودیت‌های رفتاری کمتری اظهار شد بنابراین جوانان بیش از افراد میان‌سال و مسن فضا را قشربندی شده و مردانه احساس می‌کنند. این امر در مورد متأهلین نیز صدق می‌کند. یعنی متأهلین کمتر فضا را از منظر حق حضور و برخورداری نسبت به مجردها مناسب می‌پندارند.

ازنظر رابطه میان تحصیلات و حق به شهر و مشارکت زنان در فضای شهری می‌توان گفت با افزایش سطح تحصیلات، زنان بیش‌ازپیش خود را مقهور فرایندهای سلطه در فضا می‌یابند و معتقدند برابری میان زنان و مردان در فضای شهری وجود ندارد. در آخر به ارتباط میان‌مدت سکونت و حق به شهر و مشارکت در فضا پرداخته می‌شود. بر اساس نتایج تحلیل‌های صورت گرفته مشخص شد هرچه مدت سکونت زنان در فضا بیشتر شود، انتظارات بیشتری از فضا خواهند داشت درنتیجه بیش‌ازپیش ضرورت مداخله در فضا باهدف تحقق برابری در برخورداری و مشارکت در فضا را اذعان داشته بند.

بر اساس پرسشنامه‌های تکمیل‌شده ضرورت دارد عرصه‌های عمومی شهری ازلحاظ معیارهای زیر نیز سازمان‌دهی شوند تا بتوانند حضور بی‌دغدغه زنان را میسر سازد.

روشنایی: روشنایی معابر در شب سبب می‌شود احساس امنیت بیشتری ایجاد شود.

امنیت: یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذکرشده بانوان، امنیت بود. به‌گونه‌ای که حدود ۵۰ درصد از پاسخ‌گویان از این امر به‌عنوان یک دلیل محدودکننده حضور در فضا یادکرده‌اند. امنیت را از دو منظر می‌توان بررسی نمود. اولین منظر به طراحی فضا با رویکرد کاهش امکان وقوع جرم، حذف فضاهای پنهان و افزایش نظارت عمومی بازمی‌گردد. دومین منظر به افزایش نظارت نهادی از سوی ارگان‌های انتظامی بازمی‌گردد.

آموزش و فرهنگ‌سازی: آموزش شهروندی و فرهنگ‌سازی در راستای احترام به حقوق زنان در عرصه‌های عمومی و رعایت شرایط خاص افراد ازجمله سالمندان، کودکان، مادران باردار و همچنین بانوان می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رضایت‌مندی زنان در فضاهای شهری داشته باشد.

وجود امکانات ویژه زنان در فضا: فضاهای شهری باید امکانات و نیازهای خاص زنان را مدنظر قرار دهند. امکان حرکت کالسکه، فضای خصوصی زنان برای نوزادان شیرخوار، فضاهای نشیمن و... از این قبیل می‌باشند.

مکان‌یابی مناسب: یکی از نکاتی که در مورد منطقه ۲۲ مطرح شد، وجود شبکه بزرگ‌راهی به‌عنوان شبکه اصلی ارتباطی منطقه است. این امر از دو بعد منفی تلقی شده است. اول اینکه شبکه بزرگ‌راهی فضا را چندپاره کرده و حس تعلق در فضا، احساس محله داشتن و فضای شهری به مفهوم سنتی آن به پایین است(البته بلندمرتبه‌سازی‌ها و شهرک‌سازی‌های دهه اخیر نیز مزید بر علت است.). دوم اینکه زنان اظهار داشتند کمتر میل به استفاده از حمل‌ونقل عمومی رادارند. به دلیل محوریت حمل‌ونقل عمومی از طریق شبکه بزرگ‌راهی منطقه، زنان مجبور هستند در کنار اتوبان منتظر اتوبوس یا تاکسی باشند که این امر با ناملایماتی همراه است. مزاحمت‌های خیابانی، سرمای هوا در زمستان و تابش آفتاب در تابستان، سروصدا و باد ناشی از عبور سریع وسایل

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/georesearch.33.1.95]

نقلیه همگی از معضلاتی است که ذکرشده است. راه‌کار پیشنهادی در حل این مسئله تقویت واحد همسایگی است. فعالیت‌های جاذب زنان باید به‌صورت پراکنده در محلات مختلف مکان‌یابی شود به‌گونه‌ای که امکان دسترسی به آن‌ها برای محلات و واحدهای همسایگی مجاور بدون استفاده از شبکه بزرگ‌راهی مقدور باشد.

منابع و مآخذ

- توانا، سهیل، شفیعی، معصومه (۱۳۹۴)، تفکیک جنسیتی در فضای شهری: مطالعه بوستان بهشت مادران تهران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲ ، صص۱۳۴-۱۰۷.
- حبیبی، میترا، علی پور شجاعی، فرشته (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان:نمونه موردی پارک آب‌وآتش و بوستان بهشت مادران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۳۰-۱۷.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۹۱)، از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- حبیبی، سید محسن، امیری، مریم (۱۳۹۴)، حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب:آنچه هست و آنچه باید باشد. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۱۰، صص ۳۰-۹.
- رضازاده، راضیه (۱۳۸۹)، فضای شهری، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی، بررسی موانع و عوامل مشارکت زنان در فضاهای عمومی، منظر ، شماره ۷ . صص ۲۸-۳۰.
- سلیمانی درچه، محمد (۱۳۹۳)، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی: بررسی مفهوم حق، پژوهشکده شورای نگهبان.
- سوندرز، پیتر(۱۳۹۴)، نظریه اجتماعی و مسئله شهری، مترجم محمود شارع پور، انتشارات تیسا.
- طالبی، محمدحسین (۱۳۹۰)، چالشی در مهم‌ترین نظریه‌های فلسفی غرب درباره معنای حق، حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۱۲۲-۱۰۳.
- گلابی، فاطمه، بوداقی، علی، علیپور، پروین (۱۳۹۴)، مروری تحلیلی بر تلفیق عاملیت و ساختار در اندیشه پیر بوردیو، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال چهارم، شماره ۶، صص۱۴۴-۱۱۷.
- یورگن هابرماس(۱۳۹۳)، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی کاوشی در باب جامعه بورژوایی، مترجم جمال محمدی ، نشر افکار.
- Amir Ebrahimi, M. (2006), Conquering Enclosed Public Spaces, Cities, Vol. 23, No. 6, pp. 455-461
- Bourdieo, P. (1989), Social Space and Symbolic Power, Sociological Theory, No. 7, pp. 14-25.
- Bourdieo, P. (1990), In Other Words Essays Toward a Reflexive Sociology, Cambridge ,Eng Polity Pub.
- Foucault, M. (1986), Space Knowledge and Power in Rabinow p.(ed) the Foucault Reader Harmond Sworth Penguin
- Fries, C. J. (2009), Bourdieu's Reflexive Sociology as a Theoretical Basis for Mixed Methods Research an Application to Complementary and Alternative Medicine Journal of Mixed Method Research, Vol. 3, No. 4, pp. 348-326.
- Harvey, D. (2003), The Right to the City International Journal of Urban and Regional Research, Vol. 27, No. 4, pp. 939-941.
- Harvey, D. (2012), Rebel Cities from the Right to the City to the Urban Revolution Verso Books.
- Harvey, D. (Ed.), (2005), Spaces of Neoliberalization Towards a Theory of Uneven Geographical Development, Franz Steiner Verlag, Vol. 8.
- Lefebvre, H. (1991), The Production of Space Translated by David Nicholson Smith, Blackwell Oxford and Cambridge.
- Lefebvre, H. (1996), The Right to the City Writings on Cities, pp. 63-181.
- McCann, E. J. (2002), Space Citizenship, and the Right to the City a Brief Overview Geo Journal, Vol. 58, pp. 77–79.
- Najmabadi, A. (2005), Women with Mustaches and Men without Beards Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity, Berkeley University of California pub.
- Schlosser, J. (2013), Bourdieu and Foucault a Conceptual Integration Toward an Empirical Sociology of Prisons, Criticism, Vol. 21, pp. 31-46.
- Shields, R. (2005), Lefebvre Love and Struggle Spatial Dialectics Routledge, New York

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.29252/geores.33.1.95]